

گفت‌وگو با علی مسعودیان، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل درباره ابعاد مختلف سفر گزارش‌گر حقوق بشر به ایران

طبق حقوق بین‌الملل عرفی، تحریم‌های ایران نقض حقوق بشر هستند

■ **آزاده سادات عطار**
دکتر کمیسر عالی حقوق بیشتر از بودجه عادی پرداخت می‌کنند که حق السهم کشورهاست کنبه باید یه سسازمان ملل پرداخت کنند. بخش دیگری از هزینه‌ها هم از کمک‌های داوطلبانه کشورها تأمین می‌شود که این کمک‌ها پنهانی نیست. در گفت‌وگو با علی مسعودیان کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، ضمن طرح این پرسش، سایر ابعاد و فرصت‌های سفر گزار شگر حقوق بشر را هم به بحث گذاشته‌ایم.

■ ■ ■
مطلع هستید که رسانه‌های معاند اتهام گرفته‌اند، رشوه به خانم دوهان مطرح کرده‌اند، چنین اتهامی چقدر ممکن است درست باشد؟

ما در مباحث مربوط به خانم دوهان و اینکه آیا او رشوه گرفته است، نباید زور نالیستی عمل کنیم و اسیر عملیات زور نالیستی شویم. باید دلیل محکمه پسند باشد، ضمن اینکه در چنین مواردی، بار حقوقی بر دوش کسی است که ادعای رشوه گرفتن را مطرح می‌کند. همه جای دنیا در زمینه حقوق کیفری اصل برائت را داریم و این یعنی اینکه اصل بر این است که همه بی گناه هستند، بنابراین چنین ادعایی بی پایه است و اثبات هم نخواهد شد. علاوه بر این، او نماینده سازمان ملل به عنوان بزرگ‌ترین سازمان جهانی با صلاحیت عام جهانی است و هیچ وقت به دلیل یک سفر با دریافت رشوه، وجهه بین‌المللی خود را زیر پا نمی‌گذارد، بنابراین ادعای رسانه‌های معاند سست و غیرقابل اثبات است.

گزارش خانم دوهان درباره تأثیر تحریم‌ها روی روحیان ایران از حقوق بشر تا چه حد می‌تواند دست ایران را برای اقدام حقوقی در مجامع بین‌المللی باز کند؟ چه نهادی در ایران متولی اقدام در این مورد است؟

ما در دنیای حقوق و به‌طور خاص در دنیای حقوق بین‌الملل، مفهوم ریاست تحت عنوان صلاحیت، اگر متعلق از مجامع بین‌المللی، همان دادگاه‌ها و محاکم مدنظر باشد که



از طریق قضا اختلافات را حل می‌کنند، پیش‌نیاز صلاحیت است و صلاحیت باید احراز شود. ما دیوان بین‌المللی دادگستری را داریم و باید به دنبال معاهداتی بود که دو دولت درگیر در این موضوع، یعنی ایران و امریکا عضو آن باشند و موضوع غیرقانونی بودن تحریم و به خصوص روی کالای اساسی، غذا و دارو در آن قید شده باشد و این نقض در یکی از مقررات این معاهده رخ داده باشد، ضمن اینکه در این معاهده هم مرجع حل اختلاف مثلاً دیوان بین‌المللی دادگستری یا ICاقلمداد شده باشد و اینجا در واقع ما موضوعی را داریم، متولی اقدام حقوقی در مجامع بین‌المللی، مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری است و همچنین شاید همه چیز در این مورد را پیشنهاد می‌دهم.

خانم دوهان از شکایت ایران به ICJ علیه امریکا با استناد به عهدنامه مودت صحبت کرده است. شما تا چه حد چنین اقدامی را اجرایی می‌دانید؟ مسیری که ایران باید طی کند به چه صورت است؟
امریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ به صورت یکجانبه از این عهدنامه خارج شد و دیگر محل تردید است که ایران بتواند به آن استناد کندو به نظر من نمی‌تواند استناد کند، ولی همه اهالی حقوق بین‌الملل می‌دانند که ایران از یکجانبه‌نگری‌های امریکا و بسیاری از این‌دولت‌های دیگر ضربه‌های فراوانی در بحث بین‌الملل خورده است که بحث تحریم‌ها یکی

از آن‌هاست. ایران باید استدلال‌های خود را ارائه دهد که فلان ماده و فلان معاهده نقض شده است. روابط اقتصادی دو کشور بر پایه دوستی بوده و آن‌ها نمی‌توانستند تحریمی بگذارند که به اقتصاد آنها ضربه وارد کند. اجرایی شدن این اقدام دولت عهدشکنی بوده و ضوضا دائمی شورای امنیت سازمان ملل است، احتمال بین‌المللی قطعا بسیار به ضرر امریکا خواهد بود و جو روانی راه بسود ایران تغییر خواهد داد، به نظر من ایران در مرحله ماهوی این دعوی پیروز خواهد شد.

خانم دوهان تشویق کرد که در مواقع تحریم‌های یکجانبه از سازو کار قضایی استفاده شود. آیا نمونه‌ای از این دست داریم؟ ایران چگونه می‌تواند در این مسیر قدم بگذارد؟

ایران چند سال قبل در زمینه برخی

گفت‌وگو

کارشناس حقوق بین‌الملل در گفت‌وگو با «جوان»:

«**گزارش گزارشگر حقوق بشر**»

زمینه دعوی حقوقی ایران را فراهم می‌کند



■ **سارا محبی**
اردیبهشت ماه گذشته، تهران در شرایطی میزبان النادوهان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل شد که باید به هر گونه گزارشی را به تن می‌مالید، حتی گزارشی که احیانا ممکن بود خانم دوهان آن را بی‌طرفانه منتشر نکند. دوهان نهایتاً پس از ۱۰ روز اقامت در ایران در عین آزادی عمل کامل، گزارشی منتشر کرد که مهر تأییدی بود بر اثرات ظالمانه تحریم‌های مغرب غرب و در رأس آن امریکا علیه ایران؛ گزارشی که البته تنها ناشی از فعالیت‌های خانم دوهان در ایران نبود بلکه او، قبل از سفر بیشتر از دو سال روی آن کار کرده بود، نه فقط برای پیروزی ایران برداشته شد. پرونده برای همه دولت‌ها الزام‌آور است، در حالی که معاهده فقط برای دولت‌هایی که آن را امضا کرده‌اند، الزام‌آور است. اینجا عرف می‌گوید که رویه عملی دولت‌ها و اعتقاد حقوقی آنها که این رویه درست است و خیلی از این موارد در رویه عملی دولت‌ها پذیرفته شده که تحریم‌های اقتصادی یکجانبه اقتصادی علیه یک دولت به نوعی نقض حقوق بشر و موازین حقوق بشری است و انسان که خود موضوع حق می‌تواند باشد، در بی تحریم، از خیلی از حقوق آزادی هم محروم می‌شود. اقلام غذایی و دارویی، بیماران پروانه‌ای که آسیب‌های جدی دیده‌اند یا دانشجوین به سبب اینکه به کرات بین‌المللی نمی‌توانند دسترسی داشته باشند و به همین دلیل، فرصت‌های علمی و دانش‌جویی را از دست می‌دهند، می‌توان مثال زد و این کاملاً مخالف موازین حقوق بشری است. شرایطها از دید من، مصداق مذاخه

بر امور داخلی یک دولت هم می‌تواند باشد و امریکا با یکجانبه‌گرایی و با تحریم‌هایش در حال مذاخه در امور ایران است که صرفاً ناشی از زور در عرصه بین‌الملل است و سایر دولت‌ها را هم از ترس اینکه ضرر اقتصادی به آنها برسد، مجبور می‌کند برای ایران روابط تجاری نداشته باشند. اینجا می‌بینیم که روابط بین‌الملل بر حقوق بین‌الملل چیره است و نقض اصل منع مذاخه در امور داخلی یک کشور است. در بند ۷ ماده ۲ منشور حقوق بین‌الملل است، به نظر من ایران از این که به بعد باید تعامل خود را در عرصه بین‌المللی به گزارشگران ویژه سازمان ملل و افرادی از این دست بالا ببرد و اگر جایی حقوق را نقض کرد، بنه‌دیدر، چون این کار به نفع ایران است تا از طریق گفت‌وگو و گردهمایی تأثیرات مثبتی در برآی عرف بین‌المللی یکجانبه امریکا شاهد باشیم.

دکتر مهدی جلالی شاد در گفت‌وگو با «جوان» ضمن اشاره به مدارج علمی گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید: «خانم دوهان درجه علمی دکترای حقوق بین‌الملل و دکترای حقوق اروپا از دانشگاه دولتی بلاروس و سال‌ها سابق علمی و پژوهشی و اجرایی دارد. از این رو موضع‌گیری‌های او را می‌توان در حد نظراتی دانست و به همین دلیل، فرصت‌های علمی و دانش‌جویی را از دست می‌دهند، می‌توان مثال زد و این کاملاً مخالف موازین حقوق بشری است. شرایطها از دید من، مصداق مذاخه در امور داخلی یک کشور است. در بند ۷ ماده ۲ منشور حقوق بین‌الملل است، به نظر من ایران از این که به بعد باید تعامل خود را در عرصه بین‌المللی به گزارشگران ویژه سازمان ملل و افرادی از این دست بالا ببرد و اگر جایی حقوق را نقض کرد، بنه‌دیدر، چون این کار به نفع ایران است تا از طریق گفت‌وگو و گردهمایی تأثیرات مثبتی در برآی عرف بین‌المللی یکجانبه امریکا شاهد باشیم.

به گفته جلالی شاد، از این گزارش استفاده‌های

پرونده

ملاقات با «مطرود» به قیمت نفت

■ **سیدرحیم نعمتی**
محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در مصاحبه اوایل مارس با مجله اتلانتیک گفته بود اهمیت نمی‌دهد، جسو بایدن در مورد او چه فکری می‌کند. او بعد در مصاحبه دیگری از کاهش سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در امریکا گفته بود تا اینکه سردی روابط با دولت بایدن را هر چه بیشتر به نمایش بگذارد. شاید اگر روسیه در ۲۴فوریه به اوکراین حمله نمی‌کرد، این سردی روابط همچنان ادامه داشت اما این جنگ و بحران انرژی ناشی از آن باعث شد بایدن دست‌کم در ظاهر کوتاه‌بیاید و راهی عربستان سعودی شود، با این حال، سفر بایدن نمی‌تواند بدون برنامه کاری مفصلی باشد که جدای از روابط دو کشور، مشخصاً تحت تأثیر شرایط فعلی جهانی تنظیم شده‌اند.

■ **آدم مطرود**
جو بایدن در زمان کارزار انتخابات ریاست جمهوری موضع تندو مشخصی علیه عربستان گرفته بود. او مخصوصاً روی پرونده برن مدل خاشقچی، روزنامه‌نگار عربستانی انگشت گذاشت که در اکتبر ۲۰۱۸ به نحو جعبی در کنسولگری عربستان در استانبول ترکیه به قتل رسید. پرونده جنگ یمن و جنایات جنگی بین‌المللی در این زمینه، سعودی‌ها در این جنگ نیز باعث شد بایدن وعده همکاری بگردن اخوانی‌های بنیاد اورد. ماه‌ها خفون، قربانی‌های این چرخش کامل او به سوی حکام سعودی خواهند بود. از سوی دیگر، حکام سعودی نیز برای نجات از باتلاق یمن حاضر شده‌اند آن حمایت گذشته خود را از اصلاح‌کنار بگذارند. نشانه این موضوع را می‌توان در ترکیب شورای ریاست جمهوری دید که سعودی‌ها بعد از کنار گذاشتن عبدربه ای مقام به اصطلاح ریاست جمهوری تشکیل داده و هیچ‌یک از اعضای اصلاح را در آن وارد نکردند. سلطان العراده تنها عضو ای این جنگ و جدال آنها باعث گسست ائتلاف نشد، هر چند برخی به درستی این جنگ و جدال را به عنوان جنگ نیابتی بین سعودی‌ها و اماراتی‌ها تفسیر می‌کردند اما نباید اختلافات دیرینه اصلاح‌خوانی و جنوبی‌های تجزیه‌طلب را نادیده گرفت. به هر حال، اصلاح با حمایت مستقیم سعودی‌ها بود که توانستند در جبهه‌ای متحد با جنوبی‌ها دوام بیاورند اما باید توجه داشت که اصلاح از حمایت کشور دیگری نیز برخوردار بود. در واقع، رهبران اصلاح در سال ۲۰۱۱، در بهار عربی همانند دیگر شاخه‌های اخوان‌المسلمین در کشورهای عربی به حزب عدالت و توسعه ترکیه به عنوان الگوی خود سوسی دشمنان یکله به دست حامیان دیروز خود، سعودی‌ها و دولت اردوغان قربانی می‌شوند.



اینجا بود آنها با کسسانی در این ائتلاف همراهی می‌کردند که در سال ۱۹۹۴ با آنها می‌جنگیدند. جنبش جنوب و شاخه سیاسی آن به نام شورای انتقالی جنوب به رهبری ای‌دائروس الزوبیدی بازمانده همان یمن جنوبی است که اصلاح در سال ۱۹۹۴ با آنها می‌جنگید اما در ائتلاف تحت رهبری عربستان مجبور شد در کنار آن بایستد، هر چند هیچ‌گاه متحد آن نشد.

■ **حامیان دیروز**
اختلاف بین اصلاح و بازماندگان یمن جنوبی چندین بار منجر به جنگ بین دو طرف بود و تنها با دخالت مستقیم سعودی‌ها و اماراتی‌ها بود که جنگ و جدال آنها باعث گسست ائتلاف نشد، هر چند برخی به درستی این جنگ و جدال را به عنوان جنگ نیابتی بین سعودی‌ها و اماراتی‌ها تفسیر می‌کردند اما نباید اختلافات دیرینه اصلاح‌خوانی و جنوبی‌های تجزیه‌طلب را نادیده گرفت. به هر حال، اصلاح با حمایت مستقیم سعودی‌ها بود که توانستند در جبهه‌ای متحد با جنوبی‌ها دوام بیاورند اما باید توجه داشت که اصلاح از حمایت کشور دیگری نیز برخوردار بود. در واقع، رهبران اصلاح در سال ۲۰۱۱، در بهار عربی همانند دیگر شاخه‌های اخوان‌المسلمین در کشورهای عربی به حزب عدالت و توسعه ترکیه به عنوان الگوی خود سوسی دشمنان یکله به دست حامیان دیروز خود، سعودی‌ها و دولت اردوغان قربانی می‌شوند.